

## دکتر گری یتس، ارمیا، سخنرانی ۲۸، ارمیا ۳۰-۳۳

### مراحل احیا، بخش ۲

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۲۸، مراحل احیا از ارمیا ۳۰-۳۳ است.

ما همچنان به پیام احیا ارمیا برای قوم اسرائیل و فراتر از آن، به سادگی آنچه او به مردم آن روز و حتی به قوم اسرائیل می‌گفت، نگاه می‌کنیم.

پیامدهای پیام ارمیا برای شکل‌گیری تاریخ نجات چیست؟ چگونه پیام ارمیا را در پرتو عهد جدید درک می‌کنیم؟ خدا امروز در کلیسا چه می‌کند؟ اینها مواردی هستند که قرار است در جلسه دوم با صحبت در مورد مراحل احیا به بررسی آنها ادامه دهیم. در جلسه قبل این ایده را دیدیم که وعده‌های پادشاهی که در انبیا داده شده است، وعده‌هایی هستند که اکنون تجربه می‌شوند، اما در عین حال وعده‌هایی هستند که به نوعی تحقق نیافته‌اند و هنوز محقق نشده‌اند. انبیا چهار ایده اساسی در مورد آنچه خدا قرار است در این احیا آینده برای قوم اسرائیل انجام دهد، داشتند.

اول، قرار بود بازگشت به سرزمین مادری باشد.

دوم، قرار بود شهرها به ویژه اورشلیم و معبد بازسازی شوند.

سوم، قرار بود یک داوود جدید بر مردم حکومت کند.

و چهارم، برکاتی که خداوند به اسرائیل عطا خواهد کرد، شامل حال ملت‌ها نیز خواهد شد. بنابراین همانطور که به عهد جدید می‌رسیم، این امور در مسیح در حال تحقق هستند. ما به مرحله‌ای از تحقق رسیده‌ایم که پادشاهی خدا فرا رسیده است، اما با اینکه پادشاهی آغاز شده است، هنوز به کمال نرسیده است.

ما در جلسه گذشته در مورد سه مرحله بازسازی صحبت کردیم. مرحله اول بازسازی، بازگشت از تبعید بود که پس از صدور فرمان کوروش و بازگشت مردم به سرزمینشان رخ داد. کوروش و پارسیان در سال ۵۳۸ میلادی، بابل‌ها را شکست دادند.

کمی پس از آن، کوروش فرمانی صادر کرد مبنی بر اینکه یهودیان می‌توانند به اورشلیم بازگردند. آنها می‌توانند معبد را بازسازی کنند. آنها می‌توانند خداوند را پرستش کنند.

آنها می‌توانستند در سرزمین خود زندگی کنند. این آغاز چیزی بود که ارمیا پیشگویی کرده بود. ارمیا گفته بود که در عرض ۷۰ سال، خداوند تبعیدیان را از بابل باز خواهد گرداند.

با این حال، مرحله دوم این احیا با اولین ظهور عیسی مسیح رخ می‌دهد. همانطور که به پایان دوران نبوت در عهد عتیق و سپس از طریق دوره بین دو عهد و در دوران عهد جدید می‌رسیم، می‌بینیم که شرایط تبعید هنوز برای قوم اسرائیل برقرار بود. آنها هنوز تحت ظلم و ستم بودند.

آنها هنوز در بند بیگانگان بودند. آنها هنوز در بند شدیدتر گناهان خود بودند. و بنابراین، عیسی در اولین ظهور خود می‌آید تا وعده‌هایی را که پیامبران در مورد احیای اسرائیل و بازگشت آنها از تبعید داده بودند، به اجرا درآورد.

جنبه کنونی عهد جدید که ما به عنوان ایمانداران امروزه از آن برخورداریم، توسط صلیب و مرگ عیسی مسیح محقق شده است. ارمیا از عهد جدید سخن می‌گوید. او این پیشگویی را در ارمیا فصل ۳۱ به ما می‌دهد.

تحقق آن عهد جدید از طریق مرگ عیسی به اجرا در می‌آید. به یاد داشته باشید که وقتی خدا با اسرائیل عهدی بست، عهد عتیق با قربانی و پاشیدن خون بر قوم برقرار شد. مرگی وجود داشت که آن عهد عتیق را به اجرا درآورد.

مرگی وجود دارد که عهد جدید را نیز به اجرا در می‌آورد. و دو چیز اصلی برای ما فراهم شده است. دو جنبه اصلی از برکات عهد جدید وجود دارد که به دلیل مرگ مسیح به ما داده شده است.

اولاً، ما بخشش ریشه‌ای گناهان را که وعده داده شده بود، داریم، اینکه خداوند دیگر گناهان ما را به یاد نخواهد آورد، زیرا قربانی کاملی برای آن تقدیم شده است. ما همچنین از توانایی معنوی و توانمندسازی معنوی ناشی از عهد جدید برخورداریم، زیرا خدا شریعت خود را بر قلب‌های ما می‌نویسد. و وقتی وعده ارمیا را در کنار سایر پیشگویی‌های عهد عتیق مانند حزقیال ۳۶ قرار می‌دهیم، درک می‌کنیم که نوشتن شریعت ۳۱ بر قلب‌ها، توانایی معنوی از ریختن روح خدا بر قومش ناشی می‌شود.

در شب شام آخر، همانطور که این متن را در جلسه گذشته خواندیم، لوقا فصل ۲۲، آیه ۳۰، عیسی به شاگردان می‌گوید، این جامی که برای شما ریخته می‌شود، عهد جدید در خون من است. بنابراین همانطور که خونی وجود داشت که عهد عتیق با اسرائیل را در زمان موسی برقرار کرد، خونی وجود دارد، و قربانی‌ای با وزن و ارزش بسیار بیشتر وجود دارد که عهد جدید را نیز به اجرا در می‌آورد. این به ویژه یک ایده، این جنبه جدید از عهد جدید است، که چگونه همه اینها با مرگ عیسی به اجرا در می‌آید.

این ایده‌ای است که به ویژه در کتاب عبرانیان اهمیت دارد. و کتاب عبرانیان قرار است درباره عیسی تعلیم دهد. او کاهن اعظم کامل ماست.

او صرفاً قربانی‌های حیوانی و خون حیوانات را برای گناهان ما تقدیم نکرده است. او قربانی کامل‌تری تقدیم کرده است. او فقط در خیمه زمینی یا معبد زمینی که تنها سایه‌ای از معبد آسمانی بود، خدمت نکرده است.

او با قربانی خود، در واقع به حضور خدا در آسمان راه یافته است. او قربانی کاملی را به عنوان یک کاهن اعظم کامل ارائه داده است. در نتیجه آن قربانی کامل، او برای ما یک رابطه عهد جدید با خدا ایجاد و واسطه کرده است که بسیار برتر از عهد عتیق است که با لاویان، قربانی‌های حیوانات، خیمه زمینی و سپس معبد اورشلیم مرتبط بود.

بنابراین، عیسی قربانی کاملی تقدیم کرده است. او یک کاهن اعظم کامل است. و بنابراین در عبرانیان فصل ۸ آیه ۷ آمده است، زیرا اگر آن عهد اول بی‌عیب و نقص می‌بود، دلیلی برای جستجوی عهد دوم وجود نداشت.

زیرا او وقتی می‌گوید از آنها ایراد می‌گیرد، و سپس کتاب عبرانیان، فصل ۸ آیات ۸ تا ۱۲، نقل قولی از ارمیا آیات ۳۱ تا ۳۴ به ما می‌دهد. در واقع، این طولانی‌ترین نقل قول عهد عتیق در هر بخش از عهد جدید ۳۱

است. بنابراین، عبارتی که آشکارا برای کلیسای اولیه مهم بود، آشکارا برای نویسنده کتاب عبرانیان نیز مهم بود.

آنچه ارمیا به قوم اسرائیل وعده داد، همان چیزی است که ما امروزه به عنوان کلیسا تجربه می‌کنیم. آن برکات به اجرا درآمده است. دو عهد جدید وجود ندارد.

دو قوم متفاوت از خدا وجود ندارند. ما به خاطر کار عیسی از برکات عهد جدیدی که خدا از طریق پیامبران وعده داده است، بهره‌مندیم. و این نقل قول طولانی در عبرانیان فصل ۸ از ارمیا ۳۱ وجود دارد که به نظر من این نکته را کاملاً روشن می‌کند.

بسیار خوب، شما می‌توانید مستقیماً آنچه ارمیا به قوم اسرائیل وعده داد را به آنچه ما به عنوان مؤمنان به عیسی مسیح امروز داریم، ربط دهید. چرا این یک احتمال است؟ به دلیل فداکاری کامل عیسی است. عبرانیان فصل 10 آیات 10 تا 14 به همین ایده بازمی‌گردد.

و این چیزی است که آنجا می‌گوید. می‌گوید، و با آن اراده، ما از طریق قربانی بدن عیسی مسیح، یک بار برای همیشه تقدیس شده‌ایم. در مورد قربانی‌های عهد عتیق چه حقیقتی وجود داشت؟ آنها باید به صورت مکرر تقدیم می‌شدند.

روز کفاره و قربانی‌ها، قربانی گناه برای کاهن و قوم، باید سالانه تقدیم می‌شد. و اگر آن قربانی سالانه انجام نمی‌شد، کفاره‌ای وجود نداشت. قوم اجازه نداشتند در حضور خدا زندگی کنند، مگر اینکه آن گناه به طور مکرر مورد رسیدگی قرار می‌گرفت.

بنابراین، عیسی قربانی برتر را تقدیم کرد زیرا فقط یک بار آن را تقدیم کرد. عبرانیان می‌گویند، و هر کاهنی روزانه در خدمت خود می‌ایستد و بارها قربانی‌های یکسانی را تقدیم می‌کند، که هرگز نمی‌توانند گناهان را از بین ببرند. منظورم این است که در عهد عتیق کفاره وجود داشت، اما به معنای واقعی، قربانی‌های حیوانات نمی‌توانستند مسئله گناه را به طور کامل حل کنند.

آنها نمی‌توانستند به طور کامل بر آن بخشش ریشه‌ای که توسط عهد جدید وعده داده شده بود، تأثیر بگذارند. آنها نمی‌توانستند آن توانایی معنوی را که با مرگ مسیح به وجود می‌آید، به ارمغان بیاورند، زیرا مرگ مسیح عشق خدا را در قلب‌های ما به ارمغان می‌آورد. این هدیه روح القدس را به ارمغان می‌آورد.

مرگ عیسی چیزی را به انجام می‌رساند که آن عهد عتیق و آن قربانی‌های قدیمی هرگز نمی‌توانستند آن را به انجام برسانند. در آیه ۱۲ آمده است، اما هنگامی که مسیح برای همیشه یک قربانی برای گناهان تقدیم کرد، در دست راست خدا نشست و از آن زمان منتظر ماند تا دشمنانش زیر پای او قرار گیرند. بنابراین وعده‌های پادشاهی با مرگ عیسی آغاز و افتتاح شده‌اند.

و عیسی، با مرگ و سپس رستاخیز و سپس عروجش، جایی که در دست راست پدر قرار گرفته است، در دست راست خدا حکومت می‌کند. او به دلیل کار کاملی که برای ما بر روی صلیب انجام داد، وارد جنبه جدیدی از حکومت پادشاهی خود شده است. جنبه جدیدی از پادشاهی خدا وجود دارد که در نتیجه کار عیسی به وجود آمده است.

بنابراین، کتاب مقدس می‌تواند به چند روش مختلف درباره پادشاهی خدا صحبت کند. می‌تواند از این واقعیت صحبت کند که پادشاهی خدا جاودانه است. او یک پادشاه حاکم است.

او هر کاری که هست را انجام می‌دهد، و این از همان آغاز زمان، حتی قبل از اینکه دنیا وجود داشته باشد، حقیقت داشته است. همیشه همینطور بوده است. همیشه همینطور خواهد بود.

این در زمان حال است. اما کتاب مقدس همچنین می‌تواند از پادشاهی خدا به عنوان چیزی جدید، چیزی که آخرالزمانی بود، صحبت کند و آن دوره‌ای که خدا حکومت پادشاهی خود را به روشی جدید آغاز و آغاز کرد، از طریق مرگ، تدفین، رستاخیز و عروج عیسی محقق شد. و سپس او می‌گوید: «... زیرا با یک قربانی کسانی را که تقدیس می‌شوند، برای همیشه کامل کرده است.» و روح القدس نیز به ما شهادت می‌دهد و می‌گوید، این عهدی است که پس از این روزها با آنها خواهم بست.

و باز هم، فصل دهم کتاب عبرانیان نقل قولی طولانی و مفصل از ارمیا ۳۱، آیات ۳۱ تا ۳۴، ارائه می‌دهد. بنابراین، وعده ارمیا در مورد عهد جدید نه تنها برای الهیات کتاب ارمیا مهم است، بلکه فقط برای پیام انبیا در عهد عتیق نیز مهم نیست.

این یک متن کلیدی است که به ما کمک می‌کند تا بفهمیم عیسی از طریق مرگ خود چه دستاوردی برای ما داشته است. این توانمندسازی، این تحولی که عهد جدید به ارمغان آورده است، چیزی است که ما در حال حاضر در عیسی تجربه می‌کنیم. استدلال نویسنده عبرانیان این است که عبرانیان برای گروهی از مردم نوشته شده است که در فکر بازگشت به شیوه‌های قدیمی یهودی خود، بازگشت به قربانی‌ها، بازگشت به شریعت موسی، بازگشت به معبد زمینی، همه این چیزهایی بودند که با عهد عتیق مرتبط بودند.

و منظور نویسنده عبرانیان این است که چرا باید بخواهید به عهد عتیق برگردید در حالی که در حال حاضر برکات آخرالزمانی عهد جدید را تجربه می‌کنید؟ چرا می‌خواهید به قربانی‌های حیوانات برگردید در حالی که قربانی توانمندساز و کامل‌کننده عیسی را دارید که این عهد جدید را به اجرا درآورده است؟ چرا می‌خواهید به عهد عتیق و شریعت موسی و شکست و مرگی که به همراه داشت برگردید در حالی که ما زندگی‌ای داریم که در آن خدا شریعت خود را بر قلب‌های ما نوشته است و می‌توانیم برای او زندگی کنیم؟ بنابراین، نقل قول‌های ارمیا ۳۱ برای استدلال کتاب عبرانیان بسیار مهم هستند تا بگوییم، به همین دلیل است که عیسی برای ما بسیار مهم است. به همین دلیل است که ما نمی‌خواهیم به عهد عتیق برگردیم. عیسی یک کاهن اعظم کامل است که این برکات بخشش و توانمندسازی و توانمندسازی اساسی را به ارمغان آورده است و هیچ دلیلی وجود ندارد که ما بخواهیم به آنجا برگردیم.

بنابراین، ما در مورد این برکات عهد جدید که تجربه می‌کنیم فکر می‌کنیم. اینگونه است که خداوند زندگی ما را دگرگون کرده است. همانطور که ما انجیل را موعظه می‌کنیم و مسیح را با مردم به اشتراک می‌گذاریم و تحول معنوی را که خداوند در زندگی مردم به وجود می‌آورد می‌بینیم، این واقعیت عهد جدید است.

این قدرتی است که عیسی برای تغییر زندگی‌ها دارد، زیرا او دقیقاً همان چیزی را که ارمیا وعده داده بود، به اجرا می‌گذارد. بنابراین، در الهیات عهد جدید، ارتباط مهمی بین وعده ارمیا در مورد عهد جدید و تحقق، اجرا یا آغاز برکات آن عهد از طریق مرگ عیسی وجود دارد. مرحله اول، بازگشت آنها از تبعید بود.

در مرحله دوم، عیسی می‌آید تا برکات پادشاهی، برکات احیا را اعلام کند، و او این را از طریق فداکاری کامل و مرگ کامل خود به ارمغان می‌آورد. همانطور که در مورد آن فکر می‌کنیم، ارتباط دیگری بین عیسی، ارمیا و صلیب وجود دارد که من آن را کاملاً جذاب می‌دانم و دوست دارم فقط برای چند دقیقه در مورد آن صحبت کنم. حال، برای انجام این کار، برای کمک به ما در دیدن این ارتباط بیشتر بین عیسی، ارمیا و صلیب، باید کتاب اشعیا را به این بحث وارد کنیم.

کتاب اشعیا درباره یک بنده خداوند صحبت می‌کند، و او درباره یک بنده خداوند صحبت می‌کند که کسی خواهد بود که ماموریتش نجات و احیای اسرائیل به عنوان بنده ملی خداوند خواهد بود. در الهیات اشعیا خداوند اسرائیل را ملت بنده خود قرار داده بود تا جلال او را به ملت‌ها اعلام و آشکار کند، اما آنها در ماموریت خود به عنوان بنده خدا شکست خوردند. اشعیا در فصل ۴۲ می‌گوید، قوم من اسرائیل، آنها بنده‌ای کور و کر هستند.

قرار بود آنها سایر ملت‌ها را به سوی خدا هدایت کنند. آنها حتی نتوانستند راه خود را به سوی خدا پیدا کنند. به جای اینکه از طریق اطاعت از شریعت، خدا را به ملت‌ها منعکس کنند، نافرمان شدند.

در الهیات اشعیا باید وجود داشته باشد، شکست خادم ملی نیازمند یک خادم منفرد است که رابطه عهد بین خدا و اسرائیل را احیا کند. این خادم منفرد در کتاب اشعیا در مجموعه‌ای از آنچه سرودهای خادم نامیده می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. این سرودهای خادم در فصل ۴۲، فصل ۴۹، فصل ۵۰ و فصل ۵۳ یافت می‌شوند.

به عنوان مسیحیان، همه ما به طور کلی با عبارت بنده رنج کشیده در اشعیا ۵۳ آشنا هستیم. این بنده چگونه ماموریت خود را انجام می‌دهد؟ چگونه بنده ملی را احیا می‌کند؟ چگونه بخشش آنها را به ارمغان می‌آورد و با مشکل گناه آنها مقابله می‌کند؟ خب، در نهایت، آنچه فصل ۵۳ می‌گوید این است که این بنده برای انجام ماموریتی که خدا برای احیای مردم به او داده بود، باید می‌مرد و جان خود را به عنوان قربانی گناه برای مردم تقدیم می‌کرد. خدا خشنود بود که او را خرد کند و او را از این رنج عبور دهد تا بتواند نجات قوم اسرائیل را به ارمغان بیاورد.

اشعیا ۵۳:۶ می‌گوید، همه ما، قوم اسرائیل، همراه شده‌ایم و همه ما، مانند گوسفندان، به راه خود برگشته‌ایم، اما خداوند گناه همه ما را بر او نهاد. و هنگامی که این بنده صالح که خود کاملاً از هر گونه گناهی مبری است، خود را برای قوم اسرائیل تقدیم می‌کند، خدا او را به عنوان قربانی گناه برای مردم می‌پذیرد. و مرگ او در نهایت باعث احیای بنده ملی می‌شود. بسیار خب.

حالا، ممکن است بگویید، من فکر کردم داریم درباره ارمیا و عهد جدید صحبت می‌کنیم. و چرا اینجا با اشعیا و بنده رنج کشیده گم می‌شویم؟ خب، فقط چند نکته دیگر. وقتی به بنده در کتاب اشعیا فکر می‌کنیم، می‌دانید، این سوال مطرح می‌شود: خب، این بنده کیست؟ می‌دانید، ما چگونه او را می‌شناسیم؟ چگونه او را تشخیص می‌دهیم؟ به عنوان مسیحی، ما فوراً فکر می‌کنیم که بنده رنج کشیده عیسی است.

اشعیا ۵۳ پیشگویی درباره صلیب است. در اعمال رسولان فصل ۸، وقتی گروه اتیوپیایی آن متن را می‌خواند و فیلپ برای او توضیح می‌دهد، می‌گوید: «بگذارید به شما بگویم، این همان چیزی است که در عیسی تحقق یافته است.» ما می‌دانیم که عیسی بنده رنج کشیده است.

اما وقتی به کتاب اشعیا برمی‌گردید و این را در چارچوب آن پیشگویی بررسی می‌کنید، هویت آن بنده واقعاً مشخص نیست. تا حدودی مرموز و در سایه است. می‌توانیم او را طوری ببینیم که انگار از طریق لنز دوربین نرم نگاه می‌کنیم و می‌توانیم سایه‌ها را در سیلوئت ببینیم، اما هویت دقیق این شخصیت از خود کتاب اشعیا چندان مشخص نیست.

و خواجه اتیوپیایی را در اعمال رسولان باب ۸ به یاد بیاورید، وقتی این متن را می‌خواند، می‌گوید، این درباره چه کسی صحبت می‌کند؟ آیا درباره اشعیا است؟ آیا درباره شخص دیگری است؟ و همانطور که اشعیا را می‌خوانم، این سوال نیز مطرح می‌شود. شخصی گفته است که نحوه توصیف بنده رنج کشیده در اشعیا به

این صورت است که او به عنوان یک موسی جدید معرفی می‌شود و نقش‌های مختلف پیامبر، کاهن و پادشاه را ایفا می‌کند. در نهایت، این در عیسی محقق خواهد شد.

اما همانطور که این شخص در اشعیا توصیف شده است، یک نفر آن را به این شکل توصیف کرده است، خداوند این شخصیت را که قرار است بیاید و اسرائیل را نجات دهد، معرفی می‌کند. و به یک معنا، همانطور که او را توصیف می‌کند، شرح وظایف را باز می‌گذارد. تقریباً مانند یک تابلوی نیازمند کمک در نیمه دوم اشعیا آویزان است.

این شخصیتی که قرار است خادم باشد کیست؟ چه کسی قرار است این موسی جدید باشد که مردم را احیا می‌کند، این نقش پیامبر، کاهن و پادشاه را ایفا می‌کند و این خروج و رهایی و احیای جدیدی را که پیامبران از آن صحبت کرده‌اند، به ارمغان می‌آورد؟ خب، همانطور که این ایده خادم فردی شروع به کار می‌کند همانطور که این شرح وظایف باز در آنجا قرار می‌گیرد، اسرائیل به کمک نیاز دارد، به یک نجات‌دهنده نیاز دارد؛ در عهد عتیق، به نظر می‌رسد که افراد مختلفی وجود دارند که این نقش را انجام می‌دهند. از برخی جهات، خود اشعیا نبی شخصیتی شبیه خادم است. و او منادی نبوی است که اعلام می‌کند، خداوند، زمان لطف خدا فرا می‌رسد، آزادی برای زندانیان.

اشعیا، به نوعی، شخصیتی شبیه به خادم است. اما وقتی به کتاب ارمیا می‌رسیم، بالاخره به ارمیا برمی‌گردیم منظور من این بود. ارمیا، از بسیاری جهات، به عنوان یک پیامبر، همانطور که مأموریت نبوی و دعوت خود را از جانب خدا انجام می‌دهد، برای ما بسیار شبیه به خادم خداوند است که توصیف شده است، این خادمی که در انجام مأموریت خود رنج می‌کشد.

سرودهای خدمتگزاری در اشعیا ۴۲، ۴۹، ۵۰ و ۵۳ را به یاد بیاورید. در سرود خدمتگزاری در اشعیا ۵۰ آیات ۴ تا ۹، به ما می‌گوید که هر بنده مطیع خدا خواهد بود. او به ندای خود وفادار خواهد بود، که بلافاصله تضاد مستقیمی بین او و ملت ایجاد می‌کند.

او قرار است پشتش را به کوبیده شدن بدهد و ابتدا رسوا و سپس تهرئه شود. بنابراین، ما پیامبری داریم که توسط خدا فراخوانده شده، ماموریتش را انجام می‌دهد، پشتش کوبیده می‌شود، رسوا می‌شود و سپس خدا در نهایت او را تهرئه می‌کند. خب، ما تقریباً پژواک‌های ارمیا فصل ۲۰ را می‌شنویم.

ارمیا پیام لزوم تسلیم شدن در برابر بابل را موعظه می‌کند. او بی‌وفایی به عهد و گناهیانی را که مردم مرتکب شده‌اند به آنها یادآوری می‌کند. و در ارمیا ۲۰ آمده است که به همین دلیل، او دستگیر می‌شود و کاهنی به نام پاشر، ارمیا را کتک می‌زند و او را به زندان می‌اندازد.

به نظر می‌رسد، می‌دانید، چه کسی قرار است به این شرح وظایف پاسخ دهد؟ خب، ارمیا قطعاً تا اینجا پاسخ داده است. اشعیا ۵۳، در آن بخش عالی درباره بنده رنج‌کشیده و یک بخش فوق‌العاده از عهد عتیق که به ما یادآوری می‌کند عیسی برای ما چه خواهد کرد. در اینجا توصیفی از بنده، اشعیا ۵۳، آیات هفت و هشت آمده است.

او مظلوم و رنج‌کشیده بود، اما دهانش را ننگشود. مانند بره ای که برای ذبح برده می‌شود و مانند گوسفندی که قبل از پشم چینی ساکت است، او نیز دهانش را ننگشود. بسیار خوب، اگر این شرح شغل آشکار یک بنده رنج‌کشیده است، اگر من این را می‌خواندم، این شغلی نبود که بخواهم برای آن درخواست بدهم.

از بسیاری جهات، همانطور که خداوند به ارمیا رسالتش را عطا کرد و ارمیا متوجه شد که این رسالت شامل چه چیزهایی می‌شود، این شرح وظایفی بود که او لزوماً برای آن آماده نبود. اما اصطلاحاتی که در اینجا برای توصیف بنده رنج کشیده استفاده می‌شود، در ارمیا برای توصیف رنجی که در اینجا در اشعیا استفاده شده است، برای توصیف رنج ارمیا استفاده خواهد شد. توجه کنید که در آنجا می‌گوید، او مانند بره به کشتارگاه برده شد و از سرزمین زندگان جدا شد.

در ارمیا فصل ۱۱، در آیه ۱۹، همانطور که ارمیا در حال خواندن یکی از مرثیه‌ها و اعترافات خود به خداوند است، درباره رسالت خود و تمام رنج‌ها و بدرفتاری‌هایی که با آن مواجه شده صحبت می‌کند. در این متن، او درباره این واقعیت صحبت می‌کند که مردم شهر خودش، عناتوت، می‌خواهند او را به قتل برسانند. و ارمیا خود را اینگونه توصیف می‌کند.

او می‌گوید من مانند بره‌ای آرام بودم که به کشتارگاه برده می‌شد. نمی‌دانستم که علیه من نقشه‌هایی کشیده‌اند و می‌گویند: بیایید درخت را با میوه‌اش نابود کنیم و او را از سرزمین زندگان جدا کنیم. بنابراین ایده‌ی بره‌ای که به کشتارگاه برده می‌شود، از سرزمین زندگان جدا می‌شود، همان اصطلاحی که در اشعیا ۵۳ برای اشاره به بنده استفاده شده است، در ارمیا ۱۱ نیز با اشاره به ارمیا به کار رفته است.

حالا ما وارد مسائل حیاتی مثل اینکه کدام متن اول آمده و تاریخ اشعیا و از این قبیل مسائل نمی‌شویم. من فقط می‌خواهم این را درک کنیم: در این شرح وظایف باز که در مورد یک خدمتکار رنج کشیده که قرار است در نهایت قوم خود را احیا کند، ارائه شده است، به نظر می‌رسد ارمیا از بسیاری جهات این نقش را ایفا می‌کند. اما ما می‌دانیم و درک می‌کنیم که در نهایت ارمیا کسی نیست که قرار است احیایی را که توسط انبیا وعده داده شده بود، به ارمغان بیاورد.

ارمیا قطعاً به شرح وظایف عمل می‌کند. او به وظیفه‌ای که خدا بر عهده‌اش گذاشته وفادار است. و مانند یک خدمتکار، پشتش را به کتک خوردن می‌دهد.

او شرمنده شده، مورد آزار و اذیت قرار گرفته، با او مخالفت شده، رنج کشیده است. مانند یک بره، هدایت شده است. اما کار نهایی این بنده توسط ارمیا به انجام نرسید.

باید کسی بعد از ارمیا بیاید که قرار است به این وظیفه به شکلی بسیار بزرگتر پاسخ دهد و آن را به انجام برساند. ارمیا از آزار و اذیت رنج می‌برد. و به طور شاعرانه، او مانند بره به کشتارگاه برده می‌شود، و قصد دشمنانش این است که او را به قتل برسانند و او را از سرزمین زندگان جدا کنند.

عیسی کاملاً به این شرح وظایف پاسخ می‌دهد. آنچه که به لحاظ شاعرانه در مورد ارمیا صادق بود، واقعاً و به معنای واقعی کلمه در مورد عیسی نیز صادق است. او بره‌ای است که به ذبح منتهی شده است.

و به روشی که ارمیا هرگز نمی‌توانست، زیرا خود ارمیا یک اسرائیلی گناهکار است، ارمیا، خداوند، آن قربانی گناه و کفاره را فراهم می‌کند. او بی‌گناهی است که گناهان مردم بر او نهاده شده است. او کسی است که خدا او را له می‌کند، و او کسی است که قربانی گناه می‌شود تا بتواند مردم را احیا کند.

و او می‌تواند این کار را انجام دهد زیرا از هر نظر بی‌گناه است. ارمیا بنده‌ی خداوند بود، ای کوچکان، که بنده‌ی رنج کشیده‌ی نهایی را برای ما پیش‌بینی و ترسیم می‌کند. اما عیسی بنده‌ی رنج کشیده‌ی کامل‌تری بود.

اشعیا ۵۳:۷ می‌گوید که این فرد که اسرائیل را احیا می‌کند، به عنوان بنده‌ی رنج کشیده‌ی نهایی، دهانش را، ننگشود و از رنج‌هایش شکایت نکرد. خب، وقتی اعترافات ارمیا را در فصل‌های ۱۱ تا ۲۰ ارمیا به یاد می‌آورم،

ارمیا قطعاً گاهی اوقات دهانش را باز می‌کرد. و ما دیدیم که او، به نظر من، در انجام این کار درستکار بود، اما او به طور کامل آنچه اشعیا ۵۳ به دنبال آن است را برآورده نمی‌کند.

اشعیا ۵۳، ۱۲ می‌گوید که بنده رنج‌کشیده در نهایت برای بسیاری شفاعت خواهد کرد. و در نتیجه، او کسی خواهد بود که با مرگ خود، مردم را به سوی خدا بازمی‌گرداند. درست همانطور که در مورد عهد جدید و مرگ عیسی در کتاب عبرانیان دیده‌ایم، او به طور مؤثر برای بسیاری شفاعت خواهد کرد.

خب، به یاد داشته باشید که خدا به ارمیا چه گفته بود، ارمیا فصل ۷، آیات ۱۶، ۱۱:۱۴، ۱۴:۱۱، ۱۵:۱ برای این قوم شفاعت نکنید، برای آنها دعا نکنید. بنابراین، ارمیا، با رنج و مخالفتی که با آن مواجه می‌شود و در واقع با پیام امیدی که به مردم می‌دهد، بنده رنج‌کشیده شفای اسرائیل را به ارمغان خواهد آورد. با زخم‌های او، ما شفا یافته‌ایم.

ارمیا در کتاب تسلی اعلام خواهد کرد که برای کسانی که شفای برایشان وجود نداشته، شفا و دارو وجود خواهد داشت. اما ارمیا نمی‌تواند این وعده را به طور کامل عملی کند. او وعده‌ی بهبودی می‌دهد که از دیدگاه او، هنوز در آینده است، زیرا زندگی او تنها در انتظار بنده‌ی کامل و فداکاری بی‌نقصی است که او انجام خواهد داد.

و وقتی آن فداکاری فرا برسد، برکات عهد جدید می‌تواند به واقعیت تبدیل شود. و این چیزی است که ما به خاطر کاری که عیسی برای ما انجام داده است، تجربه می‌کنیم. و همانطور که انجیل را موعظه می‌کنیم و می‌بینیم که زندگی مردم تغییر کرده است، همانطور که می‌بینیم افرادی که با اعتیاد دست و پنجه نرم می‌کنند، یا افرادی که با گرایش جنسی یا گناه جنسی، چه دگرجنس‌گرا و چه همجنس‌گرا، دست و پنجه نرم می‌کنند، همانطور که می‌بینیم افرادی که با الکل یا مشکلات در ازدواج یا طمع یا خودخواهی دست و پنجه نرم می‌کنند، همانطور که می‌بینیم زندگی آنها در حال تغییر است، به ما یادآوری می‌شود که چگونه خدا قانون قلب خود را بر قوم خود می‌نویسد.

همانطور که شاهد آن دگرگونی در زندگی خودمان و راه‌هایی هستیم که خدا مرا تغییر داده و همچنان در حال تغییر دادن من است، من ۴۰ سال است که مسیحی هستم و راه‌های بسیار دیگری وجود دارد که باید تغییر کنم، اما قدرت عهد جدید واقعی است زیرا بنده کامل آن فداکاری را ارائه داده است که مردم را به سوی خدا بازمی‌گرداند. مرگی که برای تأثیرگذاری بر عهد جدیدی که ارمیا وعده داده بود، لازم بود، قبلاً اتفاق افتاده است. و در عهد جدید، همانطور که به همه اینها نگاه می‌کنیم، احتمالاً بخش مورد علاقه من در مورد توانمندسازی یا توانمندسازی خدمت، مربوط به وعده ارمیا در مورد عهد جدید است.

این متن در دوم قرن‌تین، فصل ۲ آمده است. پولس به عنوان یک رسول و مبلغ مذهبی سالی را مطرح می‌کند که به نظر من اگر شما یک کشیش، یک معلم، یک خادم مسیحی یا حتی یک مؤمن هستید، وقتی به زندگی خود فکر می‌کنیم، این سوالی است که باید هر از گاهی به ذهنمان خطور کند. پولس می‌گوید، همانطور که به مسئولیت باورنکردنی موعظه انجیل فکر می‌کنم، همانطور که به پیامدهای شگفت‌انگیز حیات ابدی و مرگ ناشی از خدمت و پیام و فراخوانی که از جانب خدا به من داده شده فکر می‌کنم. به یاد داشته باشید که پیامبران نگهبان نامیده می‌شدند و مسئولیت عظیم آن

پولس همان نوع تعهد، همان نوع مسئولیت را در برابر خدا احساس می‌کند، همانطور که به خدمت خود به عنوان یک رسول فکر می‌کند. و این سوال را مطرح می‌کند. او می‌گوید، چه کسی می‌تواند برای این چیزها کافی باشد؟ همانطور که من به مسئولیت خود به عنوان یک مبلغ، به عنوان یک رسول برای موعظه این انجیل فکر می‌کنم، و این انجیل پیامدهای زندگی و مرگ ابدی دارد، چه کسی برای این چیزها کافی است؟ چه کسی می‌تواند، به خودی خود، این مأموریت را انجام دهد یا تغییراتی را که خدا می‌خواهد در زندگی مردم ایجاد کند

ایجاد کند؟ و پاسخ واضح به این سوال این است که هیچ یک از ما به خودی خود برای این چیزها کافی نیستیم.

اما وعده باورنکردنی عهد جدید این است که همانطور که وعده‌ها و برکات عهد جدید در زندگی ما و در زندگی افرادی که به آنها خدمت می‌کنیم، شروع به کار می‌کنند، خدا کسی است که ما را کافی می‌کند. پولس در دوم قرنتیان ۳ آیات ۴-۶ می‌گوید که کفایت ما از جانب خداست. کفایتی که خدا از طریق عیسی مسیح فراهم می‌کند، به وعده‌هایی که ارمیا در فصل ۳۱ ارمیا به قوم اسرائیل و یهودا داد، مرتبط است.

پولس درباره قدرت عهد جدید در زندگی افرادی که به آنها خدمت کرده صحبت می‌کند و به قرنتیان یادآوری می‌کند که عهد جدید چه تأثیری در زندگی آنها داشته است. و ما به تمام مشکلات و مسائلی که در کلیسای قرنتیان وجود داشت فکر می‌کنیم. پولس هنوز هم می‌توانست به زندگی آنها نگاه کند و بگوید، اما می‌دانید، من قدرت دگرگون‌کننده انجیل را می‌بینم.

من تأثیر دگرگون‌کننده‌ی عهد جدید را در زندگی شما می‌بینم. و این چیزی است که او می‌گوید: آیا ما شروع به توصیه‌ی خود به شما کرده‌ایم؟ این آغاز فصل سوم است، یا مانند برخی دیگر، به توصیه‌نامه‌هایی برای شما یا برای شما نیاز داریم؟ خدمت پولس توسط بسیاری در کلیسای قرنتیان به چالش کشیده شده بود. و او می‌گوید، بسیار خوب، بیایید در مورد اعتبارنامه‌های من فکر کنیم.

آیا لازم است نامه‌های خارجی و سه توصیه‌نامه به شما بدهم که نشان دهد من رسول معتبری برای عیسی هستم؟ او می‌گوید، در مورد این فکر کنید. او می‌گوید ما به این نوع توصیه‌نامه‌ها نیازی نداریم زیرا در آیه دوم، شما خودتان توصیه‌نامه ما هستید. می‌دانید، پولس برای تأیید رسالت خود به چه توصیه‌نامه‌ای نیاز دارد؟ زندگی‌های تغییر یافته افرادی که از طریق رسالت او تحت تأثیر انجیل قرار گرفته‌اند.

و او می‌گوید شما توصیه‌نامه‌ی ما هستید که بر قلب‌های ما نوشته شده تا همه آن را بشناسند و بخوانند. و من نمی‌توانم پژواک وعده‌ی خدا را نشنوم که قرار است شریعت قلب را بر قوم خود بنویسد. اما در این متن پولس با کمی تغییر تصویر و فکر کردن به تحویلی که در زندگی خودش رخ داده است، می‌گوید: شما خودتان بر قلب‌های ما نوشته شده‌اید.

عهد جدید و آنچه خدا در زندگی من انجام داده است، مرا قادر ساخته است تا شما را به این شکل دوست داشته باشم. و من در زندگی شما، تأثیر عهد جدید را نیز می‌بینم. او به همان تصویرسازی ادامه می‌دهد و می‌گوید، شما نشان می‌دهید که نامه‌ای از مسیح هستید که توسط ما تحویل داده شده است، نه با جوهر بلکه با روح خدای زنده نوشته شده است.

دگرگونی‌ای که در زندگی شما رخ داده است، از طریق قدرت روح منعکس می‌شود. و این نامه، این تقدیرنامه که بر اساس زندگی شما نوشته شده است، قدرت عملکرد روح القدس را که توسط عهد جدید وعده داده شده بود، منعکس می‌کند. و این در قلب‌های ما نوشته شده است زیرا عهد جدید ما را نیز دگرگون کرده است.

و بنابراین، در عهد جدید و وعده‌های پادشاهی که ارمیا به ما داد، یک جنبه‌ی «اکنون» و یک جنبه‌ی هنوز «وجود دارد» به یاد داشته باشید، مرحله‌ی اول، بازگشت از تبعید بود. مرحله‌ی دوم با آمدن اولیه‌ی «عیسی مسیح محقق می‌شود و تحت تأثیر مرگ مسیح قرار دارد».

ما به عنوان ایمانداران به عیسی، اکنون آن برکات و مزایا را تجربه می‌کنیم. دو عهد جدید وجود ندارد: یک عهد جدید که خدا امروز با کلیسا بسته است و یک عهد جدید که خدا در آینده با اسرائیل خواهد بست.

یک عهد جدید وجود دارد و ما اکنون در حال تجربه برکات آن هستیم. بسیار خب. حالا، همه اینها یک مسئله تفسیری دیگر را مطرح می‌کند.

همانطور که در مورد الهیات این موضوع کار می‌کنیم، ما همچنان مشکلات و سوالات بیشتری را مطرح می‌کنیم. بهره‌مندی فعلی پیروان عیسی از عهد جدید، یک سوال جالب برای من ایجاد می‌کند. من قصد دارم به ارمیا ۳۱، آیه ۳۱ برگردم.

من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد جدیدی خواهم بست. گیرنده این عهد جدید دقیقاً چه کسانی هستند؟ خاندان اسرائیل و خاندان یهودا. بنابراین، سوال این است، مسئله من، سوال من این است

اگر ما یهودی نیستیم و من یهودی نیستم، من به خاندان اسرائیل یا خاندان یهودا تعلق ندارم، چگونه می‌توانیم از برکات آنچه خدا به اسرائیل وعده داده بود، بهره‌مند شویم؟ بسیار خب. وعده عهد جدید خاندان اسرائیل، خاندان یهودا. آیا این فقط برای اسرائیل است؟ من فکر می‌کنم ما باید این را درک کنیم، و ما از عهد عتیق به عهد جدید رسیده‌ایم.

فکر می‌کنم اکنون باید یک قدم به عقب برداریم و از ارمیا به بقیه تاریخ عهد عتیق و کل برنامه عهدی خدا برگردیم. آنچه خدا در عهد جدید انجام می‌دهد در نهایت به آنچه خدا در تمام عهدهای دیگر که بخشی از تاریخ نجات عهد عتیق بودند وعده داده است، برمی‌گردد و آن را محقق می‌کند. عهد جدیدی که خدا در کتاب ارمیا و سایر متون نبوی برای اسرائیل و یهودا وعده داده است، با تمام وعده‌های عهدی دیگری که خدا قبل از این با اسرائیل داده است، مرتبط است.

می‌بینید که عهدهای مختلف در عهد عتیق اینطور نیستند، اینجا یک عهد وجود دارد، مجزاست، موضوع خودش را دارد. اینجا یک عهد دیگر است: خدا قرار است کار دیگری انجام دهد. یک عهد سوم هم وجود دارد: خدا استراتژی خود را تغییر می‌دهد.

در واقع، تمام عهد و پیمان‌ها در نهایت به یکدیگر مرتبط هستند و بخشی از یک طرح و برنامه می‌باشند. آنها در نهایت به یکدیگر و در نهایت به عیسی مسیح ختم می‌شوند. و وعده عهد جدیدی که خدا به اسرائیل داد، در نهایت به عهدی که خدا با ابراهیم بست، برمی‌گردد.

و وعده‌های عهدی را که خدا به ابراهیم داد به یاد داشته باشید. او گفت، من تو را به ملتی بزرگ تبدیل خواهم کرد. من به تو سرزمینی خواهم داد و از طریق تو، همه ملت‌های روی زمین برکت خواهند یافت. طرح و نیت خدا در عهد ابراهیمی که مقدم بر عهد جدید است، این است که تمام برکاتی که خدا به قوم اسرائیل می‌دهد، در نهایت به منبع و ابزاری برای برکت دادن به جهان به طور کلی و ملت‌ها تبدیل شود.

طرح خدا همیشه این بود که از ابراهیم، اسرائیل به عنوان نوادگان ابراهیم، برای آوردن و وسیله‌ای برای برکت او استفاده کند. آنها قرار بود پادشاهی کاهنان باشند. آنها واسطه آن برکت‌ها برای همه ملت‌های دیگر خواهند بود.

ما به عنوان کلیسای امروز، به عنوان پیروان عیسی، به خاطر وعده‌های عهد ابراهیمی، به برکات عهد جدید دست می‌یابیم. بسیار خوب، اجازه دهید دوباره تکرار کنم. ما به خاطر وعده‌هایی که در عهد ابراهیمی وجود دارد، به برکات عهد جدید دست می‌یابیم.

اگر عیسی، همانطور که در غلاطیان باب ۳ آمده است، از نسل ابراهیم باشد، و اگر عیسی در نهایت کسی باشد که وعده‌های عهد ابراهیمی از طریق او محقق می‌شود، پس ما از طریق آن وعده عهد به برکات و مزایای عهد جدیدی که توسط ارمیا وعده داده شده است، می‌رسیم. عهد ابراهیمی می‌گوید که در شما، همه ملت‌های زمین برکت خواهند یافت. برکتی که به طور خاص از طریق عهد جدید وعده داده شده توسط ارمیا داده می‌شود، بخشش ریشه‌ای گناهان گذشته آنها و توانمندسازی و قدرت بخشیدن به آینده، از طریق ابراهیم، از طریق عهد ابراهیمی، به کسانی که پیرو عیسی هستند داده می‌شود.

تمام این عهد و پیمان‌ها در نهایت در مسیح به سرانجام می‌رسند. و از آنجایی که ما در مسیح هستیم، دریافت‌کننده‌ی آن مزایا و برکات می‌شویم. بسیار خوب.

بنابراین امیدواریم که این به پاسخ به این سوال کمک کند. ما به عنوان غیریهودیان، چگونه می‌توانیم به وعده‌های ارمیا ۳۱:۳۱ پی ببریم؟ خوب، این از طریق عهد ابراهیمی است. اما این موضوع، سوال دیگری را برای ما مطرح می‌کند.

به پرداختن به مسائل و سوالات اینجا ادامه دهید. ذکر ابراهیم و اسرائیل، و عهدهای عهد عتیق، و به طور خاص عبارت ارمیا ۳۱ مبنی بر اینکه خدا این عهد جدید را با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا می‌بندد، به ما یادآوری می‌کند که سرانجام مرحله سومی برای احیا و وعده‌های پادشاهی وجود دارد. ما زمان زیادی را صرف صحبت در مورد مرحله اول و بازگشت از تبعید کردیم.

ما در مورد مرحله دوم و آغاز پادشاهی و آغاز و اجرا و آغاز برکات عهد از طریق آمدن اولیه عیسی و اینکه چگونه این مزایا در زندگی ما به واقعیت تبدیل می‌شوند و زندگی ما را از طریق مرگ مسیح متحول می‌کنند صحبت کرده‌ایم. اما مرحله سومی برای تحقق وعده‌های پادشاهی خدا وجود دارد که تاریخ نجات را تکمیل می‌کند و تمام برکات پادشاهی، تمام برکات آخرالزمانی که خدا از طریق پیامبران عهد عتیق وعده داده بود را به طور کامل به اجرا در می‌آورد. مرحله دوم برای ما در زمان آمدن اولیه عیسی رخ داده است.

این امر زمانی در زندگی شخصی شما واقعی می‌شود که به آنچه مسیح برای شما انجام داده است ایمان بیاورید، اعتماد کنید و آن را بپذیرید. مرحله سوم در تکمیل نهایی این وعده‌های احیای پادشاهی عهد جدید از ارمیا و انبیای عهد عتیق، سرانجام در ظهور دوم عیسی رخ خواهد داد. و من معتقدم که مرحله سوم شامل چندین نکته مهم خواهد بود.

اولاً، پادشاهی خدا با آمدن عیسی برای حکومت و سلطنت به طور کامل برقرار خواهد شد. منظورم این است که او از طریق مرگ، رستاخیز و عروج خود در ارتباط با آمدن اولش، وارد مرحله و جنبه جدیدی از حکومت پادشاهی خود شد، اما ما هنوز منتظر تجلی کامل و نهایی پادشاهی خدا هستیم و این در آمدن دوم او رخ خواهد داد. می‌توانیم در مورد آن در مکاشفه ۱۹ بخوانیم.

عیسی به عنوان یک جنگجوی قدرتمند بازمی‌گردد. او دشمنان خود را نابود می‌کند. او داوری نهایی را به ارمغان می‌آورد و سپس پادشاهی صلح را که در مکاشفه فصل ۲۰ برای ما توصیف شده است، برقرار می‌کند.

دومین اتفاق که قرار است در مرحله سوم اجرای وعده‌های احیای عهد جدید رخ دهد، این است که شریعت خدا سرانجام و به طور کامل در قلب قومش نوشته خواهد شد. و حتی توانایی گناه کردن ما از ما گرفته خواهد شد. می‌بینید، از طریق مرگ عیسی، ما این توانایی جدید را داریم.

شریعت خدا بر قلب‌های ما نوشته شده است. روح در درون ما نهاده شده است، و ما از سوی خدا میل و توانایی درونی داریم تا زندگی‌ای را که خدا می‌خواهد، داشته باشیم. دوم پطرس ۱ می‌گوید، هر آنچه برای زندگی و خداترسی لازم است به ما داده شده است.

اما فصل هفتم رومیان به ما یادآوری می‌کند که قانون دیگری در زندگی ما در حال اجرا است و آن قانون گناه و واقعیت ذات گناه‌آلود ماست و ما هنوز با آن زندگی می‌کنیم. و به همین دلیل است که در یکی از جلسات قبلی‌مان، در مورد این واقعیت صحبت کردیم که جان‌گدینگی می‌گوید، می‌دانید، وقتی به زندگی مؤمنان در عهد جدید نگاه می‌کنید، گاهی اوقات آنها چندان متفاوت از زندگی مردم در عهد قدیم به نظر نمی‌رسند. به این دلیل است که ما هنوز با مشکل گناه دست و پنجه نرم می‌کنیم و با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم.

و این تا زمانی که پادشاهی به طور کامل تجلی یابد و خداوند ما را کاملاً دگرگون کند، وجود خواهد داشت تا دیگر در بدن‌های جاودانه‌ای که مجبور به کشتی گرفتن و مبارزه با گناه هستند، زندگی نکنیم. این نیز بخشی از مرحله سوم است. اما من همچنین معتقدم، و می‌دانم که محققان کتاب مقدس واقعاً خوبی وجود دارند که، می‌دانید، با این یا آن ایده‌ها یا دیدگاه‌های دیگر مخالف خواهند بود، اما من همچنین معتقدم که مرحله سوم این تحقق، تجلی نهایی پادشاهی خدا، شناخت نهایی و تحقق و تحقق وعده‌های عهد و احیایی که توسط پیامبران عهد عتیق پیش‌بینی شده بود، به معنای احیای قوم خدا، اسرائیل نیز خواهد بود.

من معتقدم که وعده‌های خاص عهد که خداوند به قوم اسرائیل داده است و چیزها و راه‌های خاصی که خداوند در قوم اسرائیل و از طریق آنها عمل می‌کند، برای تاریخ نجات بسیار مهم هستند، به طوری که آن وعده‌های خاص که خداوند به قوم اسرائیل داده است، در آن کمال نهایی نیز تحقق خواهند یافت. حال، باز هم، ما آشکارا در مورد این موضوع در کلیسا نظرات متفاوتی داریم و سیستم‌های الهیاتی مختلفی وجود دارد و این آزمونی برای معنویت نیست، آنچه شما در مورد این مسائل خاص باور دارید، اما ما برخی از سیستم‌های الهیاتی داریم که می‌خواهند برای ما تأکید کنند که وعده‌های احیا که از طریق پیامبران داده شده است، از نظر معنوی و به صورت مجازی در کلیسا و از طریق آن تحقق می‌یابند.

ما سیستم‌های الهیاتی دیگری داریم که تأکید کرده‌اند وعده‌های پادشاهی به اسرائیل به معنای واقعی کلمه در مردم و ملت اسرائیل محقق خواهد شد. و گاهی اوقات، میزان سخت‌گیری و کامل بودن اجرای این وعده‌ها متفاوت است. بنابراین، ما این دو سیستم متفاوت را داریم.

بعضی‌ها می‌گویند، می‌دانید، وعده‌های پادشاهی که خدا به ارمیا و دیگر پیامبران داده است. آنها به صورت مجازی در کلیسا تحقق می‌یابند. برخی دیگر از سیستم‌های الهیاتی می‌گویند، نه، آنها به معنای واقعی کلمه از طریق قوم اسرائیل تحقق خواهند یافت. و من فکر می‌کنم برداشت من از خواندن عهد عتیق و جدید با هم این است که این یک سوال «یا این یا آن» نیست.

مسئله صرفاً این نیست که آیا این امر به صورت مجازی و معنوی در کلیسا یا به معنای واقعی و واقعی توسط قوم اسرائیل محقق خواهد شد. من فکر می‌کنم این یک امر هم زمان و هم زمان است. و تاریخ نجات شامل این است که، بله، در جنبه کنونی پادشاهی خدا، در بخش کنونی این [وضعیت] و آنچه ما از عهد جدید به دلیل آنچه عیسی از طریق مرگ خود به انجام رساند، تجربه می‌کنیم، ما در حال تجربه برکات عهد جدید هستیم و وعده‌ها به اسرائیل به صورت مجازی در کلیسای امروز محقق می‌شوند.

ما اسرائیل جدید شده‌ایم. فیلیپیان فصل ۳ می‌گوید، ما ختنه شدگان حقیقی هستیم. ۱۲ حواری که عیسی منصوب کرد به نوعی برای ما آغازی جدید برای قوم خدا هستند.

و یک قوم خدا وجود دارد، نه دو قوم خدا. و یک عهد جدید وجود دارد، نه دو عهد جدید. و بنابراین، ما برکات عهد جدید و پادشاهی را به صورت مجازی تجربه می‌کنیم.

اما من معتقدم وعده‌هایی که خدا به اسرائیل داده است، بخش مهمی از تاریخ نجات هستند، به طوری که وفاداری به عهد خدا ایجاب می‌کند که او به آن وعده‌ها به قوم اسرائیل نیز عمل کند. در پیدایش فصل ۱۲ خدا از طریق ابزار قوم اسرائیل شروع به کار کرد. و من معتقدم که جنبه خاص اسرائیل در تاریخ نجات تا انتها ادامه دارد.

و بنابراین، من معتقدم که این وعده‌های احیا که خداوند از طریق پیامبر ارمیای نبی به قوم اسرائیل در مورد سرزمینشان، در مورد بازگشتشان داد، بسیار مهم هستند. آنها چنان در پیام عهد عتیق ریشه دارند. چیزی هست که بارها و بارها می‌شنوید، و آنها چنان در داستان آنچه خدا در آوردن پادشاهی خود به زمین انجام می‌دهد مهم هستند که صرفاً از نظر معنوی در کلیسا محقق نمی‌شوند.

این وعده‌ها همزمان با تلاش خداوند برای احیای قوم اسرائیل، محقق خواهند شد. می‌خواهم به ارمیا برگردم، و چند جایی را برجسته کنم که در آنها شروع به درک اهمیت این تعهد خاص خداوند به اسرائیل می‌کنیم. اینکه این تعهد چقدر در ذهن خداوند مهم است، و اینکه این وعده‌های خاص عهد که خداوند به اسرائیل داده است چقدر مهم هستند. آنها چقدر در پیام پیامبران نقش دارند؟ و پاسخی که دریافت می‌کنیم این است که آنها اهمیت بسیار زیادی دارند.

به آنچه خدا درباره اسرائیل می‌گوید گوش دهید، ارمیا فصل ۳۱، آیات ۳۵ تا ۳۷. چنین می‌گوید خداوند، که خورشید را برای روشنایی در روز و نظم ثابت ماه و ستارگان را برای روشنایی در شب قرار داده است، که دریا را به تلاطم می‌آورد تا امواجش غرش کنند، خداوند لشکرها نام اوست. اگر این نظم ثابت از بین برود، درباره چه نظم ثابتی صحبت می‌کنیم؟ نظم ثابتی که هر روز صبح هنگام طلوع خورشید و سپس هنگام فرارسیدن شب مشاهده می‌کنیم، آن چرخه‌ای که دائماً تکرار می‌شود.

من هیچ‌وقت شب‌ها به رختخواب نمی‌روم و با خودم فکر نمی‌کنم که آیا خورشید قرار است طلوع کند، آیا قرار است فردا طلوع کند، چون خدا این نظم را برقرار کرده و ثابت است. او می‌گوید، اگر این نظم ثابت از پیش روی من خارج شود، خداوند اعلام می‌کند، آنگاه نسل اسرائیل برای همیشه از بودن به عنوان یک ملت در برابر من باز خواهد ایستاد. خب، پس خدا تعهدی داده است، به یک معنا، اینجا یک لنگر عهد وجود دارد که من معتقدم خدا برای همیشه به آن قسم خورده است.

و او می‌گوید، من چقدر به مردم اسرائیل متعهد هستم؟ چقدر به انجام وعده‌های خاص عهدی که به آنها داده‌ام متعهد هستم؟ خب، من به همان اندازه به این متعهد هستم که به خورشیدی که هر روز صبح طلوع می‌کند و ستاره‌ها و ماهی که هر شب بیرون می‌آیند. این یک چیز ثابت است که من به خودم قسم خورده‌ام که آن را انجام دهم. و بنابراین، من معتقدم که یک بازگشت برای اسرائیل وجود دارد که در انتظار مرحله سوم است.

نه فقط به این دلیل که معتقدم باید نوشته‌های پیامبران را به شیوه‌ای کاملاً تحت‌اللفظی بخوانیم و تفسیر کنیم و گاهی اوقات در حق استعاره‌ها و تصاویر موجود بی‌انصافی کنیم، بلکه به این دلیل که معتقدم وعده‌های عهدی وجود دارند که زیربنای آنچه خدا قرار است برای اسرائیل انجام دهد، آنچه پیامبران می‌گویند که خداوند برای اسرائیل انجام خواهد داد، هستند. و آن وعده‌های عهدی همچنان پابرجا هستند. به وعده سرزمین فکر کنید و اینکه چقدر برای قوم اسرائیل مهم است.

در ارمیا فصل ۳۲، در میان این وعده‌های بازسازی، یادآوری می‌شود که چه مقدار زمین بخش خاصی از آن وعده‌های بازسازی است. ارمیا در ارمیا فصل ۳۲ یک عمل نشانه انجام می‌دهد و آن مستقیماً با وعده عهدی زمین مرتبط است. ارمیا دستور می‌گیرد که برود و اموال خویشاوند خود، حنمئیل، را بازخريد کند.

و، می‌دانید، او اینجا از رسم عهد عتیق پیروی می‌کند. هر زمان که یکی از اقوام مجبور به فروش زمین می‌شد، شما موظف بودید آن را دوباره بخريد و مطمئن شوید که در دست خانواده باقی می‌ماند. خداوند نمی‌خواست خانواده‌ها زمین خود را از دست بدهند.

این میراث آنها از جانب خداوند بود. و بنابراین، ارمیا می‌رود و این کار را انجام می‌دهد و آنها اسناد مالکیت را امضا می‌کنند. و تأکید زیادی بر اطمینان از وجود یک سند کتبی در اینجا وجود دارد که تأیید می‌کند این زمین متعلق به ارمیا و خانواده‌اش است.

اما پشت همه اینها اهمیت عمیق‌تری از انجام یک تعهد خانوادگی وجود دارد. ارمیا این عمل نشانه را در زمانی انجام می‌دهد که بابلی‌ها آماده تصرف زمین می‌شوند. و بنابراین، سوالی که در ارمیا ۳۲ مطرح می‌شود این است که چرا زمین را خریداری کنیم، چرا این پول را پردازیم و چرا این سرمایه‌گذاری را انجام دهیم، و چرا این فرآیند را طی کنیم که دو نسخه از اسناد را بنویسیم و یکی را مهر و موم کنیم، و دیگری را باز نگه داریم، و آنها را در کوزه‌ها قرار دهیم تا مطمئن شویم که حفظ می‌شوند؟ چرا همه این کارها را انجام می‌دهیم؟ خب، پاسخ این است که خداوند به قوم خود وعده خاصی داده است که قرار است آنها را به آن سرزمین بازگرداند.

و این بخشی از عهدی بود که خدا با اسرائیل بسته بود. و من معتقدم که حتی وقتی به عهد جدید می‌رویم و رومیان فصل ۴ آیه ۱۳ می‌گویند که قوم خدا وارث کل زمین خواهند بود، به ما سند مالکیت کل سرزمین یا کل زمین داده شده است زیرا همه آن متعلق به عیسی است، هر وجب مربع از آن. اما بخشی از آن عهد و بخشی از تاریخ نجات و بخشی از راهی که خدا قرار است این کار را انجام دهد، با تحقق وعده‌های خاص عهدی است که خدا به اسرائیل داده است.

و بنابراین فکر می‌کنم سرنخ‌ها، نکات و نشانه‌هایی داریم که ما را در کتاب ارمیا و عهد عتیق به این نتیجه می‌رساند. سپس یک متن مهم و کلیدی در عهد جدید و همچنین در رومیان فصل‌های ۹ تا ۱۱ داریم، جایی که پولس قصد دارد در مورد وعده‌های عهدی خدا و تعهد عهدی خدا به قوم اسرائیل تأمل کند. این تمرکز بر قوم است.

تمرکز رومیان ۹ تا ۱۱ به وضوح بر قوم اسرائیل است. پولس می‌گوید، آرزوی قلبی و دعای من از خدا برای اسرائیل این است که آنها نجات یابند. او در مورد یهودیان قومی صحبت می‌کند.

او درباره قوم اسرائیل صحبت می‌کند. و من معتقدم که اصطلاح اسرائیل در سراسر رومیان ۹ تا ۱۱ همین معنا را خواهد داشت. نکته الهیاتی که پولس در رومیان ۹ تا ۱۱ مطرح می‌کند این است که بی‌ایمانی اسرائیل در طول تاریخش، وعده‌های عهد خدا را باطل نکرده است.

آنها همچنان پابرجا هستند. پولس می‌گوید که خدا وعده‌های عهدی را که به اسرائیل داده است، از دو طریق خاص محقق می‌کند. این وعده‌ها محقق خواهند شد.

اولاً، در میان یهودیانی که در عصر حاضر به مسیح ایمان می‌آورند، بقایایی از فیض الهی وجود دارد و آنها بخشی از کلیسا می‌شوند. و درست مانند طول تاریخ اسرائیل، همیشه بقایایی از مؤمنانی وجود داشته است که بخشی از قوم حقیقی خدا بوده‌اند. یهودیانی هستند که در عصر حاضر عیسی را می‌شناسند.

و به لطف خدا، خداوند وعده‌های عهد خود را به انجام می‌رساند، زیرا آنها از برکات عهد جدید بهره‌مند می‌شوند. اما پولس در ادامه می‌گوید که فراتر از آن، راه دومی که خداوند وعده‌های عهد خود را به اسرائیل تحقق خواهد بخشید، در آینده است، پس از پایان این دوران نابینایی ملی و در ارتباط با زمانی که عیسی برای بازگشت آماده می‌شود و در ارتباط با احیای همه چیز در آخرالزمان، بازگشت ملی قوم خدا به سوی اسرائیل رخ خواهد داد. و پولس این را در رومیان فصل 11، آیه 26 می‌گوید و به این ترتیب، تمام اسرائیل همانطور که نوشته شده نجات خواهد یافت.

نجات‌دهنده از صهیون ظهور خواهد کرد. او بی‌دینی را از یعقوب دور خواهد کرد. و این عهد من با ایشان خواهد بود، هنگامی که گناهانشان را از میان بردارم.

بنابراین، خداوند می‌گوید، بازگشت مردم به سوی اسرائیل خواهد بود. رستگاری به قوم اسرائیل داده خواهد شد، جایی که خداوند برای کسانی که از تمام داورها و اتفاقاتی که در آخرالزمان رخ خواهد داد بازمانده‌اند، اسرائیل را احیا خواهد کرد. و ما می‌توانیم در مورد این واقعیت بحث کنیم که آیا این شامل یک پادشاهی و یک نهاد ملی و تمام چیزهایی است که توسط پیامبران پیش‌بینی شده است، یا صرفاً در مورد بازگشت معنوی قوم یهود به سوی خدا صحبت می‌کند.

این واقعاً مسئله‌ی مهمی نیست، اما یادآوری این است، و آنچه مهم است این است که خدا به وعده‌های عهد خود عمل می‌کند. فقط یک تأمل نهایی، و این را به پایان می‌رسانیم. چرا این موضوع برای ما مهم است؟ ما واقعاً چه اهمیتی برای همه اینها قائلیم؟ خب، می‌خواهم آنچه پولس به ما به عنوان مؤمنان در رومیان فصل هشتم می‌گوید را به شما یادآوری کنم.

او می‌گوید ما توسط خدا برگزیده شده‌ایم. ما برگزیده شده‌ایم. ما عادل شمرده شده‌ایم.

در نهایت، ما جلال خواهیم یافت. او ما را فراخوانده است. ما قوم خدا هستیم.

هیچ چیز نمی‌تواند ما را از عشق خدا که در مسیح عیسی است جدا کند. و بلافاصله پس از زمانی که پولس در مورد این واقعیت صحبت می‌کند که هیچ چیز نمی‌تواند ما را از عشق خدا جدا کند، موضوع بعدی که او بلافاصله به آن می‌پردازد، تعهد ابدی خدا به اسرائیل است. چگونه می‌توانم به عنوان یک پیرو عیسی بدانم که هیچ چیز هرگز مرا از عشق خدا جدا نخواهد کرد؟ تنها کاری که باید انجام دهم این است که به تعهد پایدار خدا به اسرائیل نگاه کنم.

ارمیا نبی عهد جدیدی را وعده داد. انبیای عهد عتیق پادشاهی آینده را وعده دادند. بازگشت به سرزمین موعود خواهد بود.

بازسازی اورشلیم در معبد رخ خواهد داد. داوود جدیدی ظهور خواهد کرد. ملت‌ها در آن مشارکت خواهند داشت.

همچنان که داستان تاریخ نجات در عهد جدید را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که این وعده‌ها به صورت مرحله‌ای محقق می‌شوند. مرحله اول، بازگشت به سرزمین است. مرحله دوم، آمدن عیسی در اولین ظهورش است. که در آن عهد جدید را به اجرا می‌گذارد.

مرحله سوم، احیای آینده است که در آن نجات ما کامل خواهد شد، پادشاهی خدا به زمین خواهد آمد و وعده‌های عهد خدا با اسرائیل نیز به عنوان بخشی از آن احیای مقدس محقق خواهد شد.

این سخنرانی دکتر گری یتس در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۲۸، مراحل احیای مجدد از ارمیا ۳۰-۳۳ است.